

## اشاره

رادیو از جمله مهم‌ترین منابع رواج زبان معیار در هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود. زیرا با این وسیله هنجارهای زبان معیار در سراسر جامعه گسترش می‌یابد و هر کس در هر بخش از جامعه، با هر لهجه و گویش بومی و محلی، می‌تواند با بهره‌بردن از رسانه با همه افراد جامعه در ارتباط باشد. برای فهم زبان رسانه و از جمله زبان رادیو، باید بیان، ارتباطات، زبان، رسانه، زبان رسانه و مدیریت همه این موارد را شناخت و با تمامی وجود لمس کرد. ویژگی‌های زبان معیار و تعریف زبان رسانه از دیدگاه رومن یاکوبسن که یکی از زبان‌شناسان معروف است، از زوایای گوناگون قابل‌تأمل است. وی در هر ارتباط کلامی شش عامل مهم را دخیل می‌داند: فرستنده، گیرنده، موضوع، پیام، مجرای ارتباطی و رمزگان از جمله این عوامل هستند. همچنین، یاکوبسن بر مبنای این شش عامل، به شش نقش زبانی می‌پردازد که این شش عامل عبارتند از: عوامل عاطفی، ارجاعی، همدلی، ادبی، فرازبانی و ترغیبی. ما به بررسی و آسیب‌شناسی این عوامل در رادیو جوان با معیار زبان جوانی و نیز سخنان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی می‌پردازیم:

# زبان جوانی در رادیو

❖ تهیه و تنظیم: اکرم امامی

کارشناس کتابداری و اطلاع‌رسانی و پژوهشگر اداره کل پژوهش‌های رادیو



و لهجه‌های گوناگون لحاظ می‌شود. به‌وسیله رسانه رادیو می‌توان الگویی درست از زبان معیار را در جامعه رواج داد و روزه‌روز بر رونق و قدرت و رسایی زبان افزود.

رادیو این امکان را فراهم می‌آورد که با تلاشی همه‌جانبه بکوشیم زبان را از نادرستی‌ها و کاستی‌های آن پالوده کنیم و از سوی دیگر، با کاربرد درست واژه‌های رسا و زیبا، زبانی قاعده‌مندتر و گوش‌نوازتر را به‌عنوان زبان معیار در جامعه رواج دهیم. برای فهم زبان رسانه و از جمله زبان رادیو، باید بیان، ارتباطات، زبان، رسانه، زبان رسانه و مدیریت همه این موارد را شناخت و با تمامی وجود لمس کرد.

### ویژگی‌های زبان معیار

- **بی‌نشان بودن:** یکی از ویژگی‌های مهم زبان معیار «بی‌نشان بودن» آن است. تمایز میان نشان‌داری و بی‌نشان بودن براساس مشخصه‌های زبانی تعریف می‌شود و به این معناست که زبان فاقد یک سلسله ویژگی‌هاست که آن را از زبان غیرمعیار متمایز می‌سازد.

تراسک در تعریف اصطلاح زبان معیار این نکته را یادآوری می‌کند که زبان معیار به هیچ‌یک از گونه‌های متفاوت اجتماعی، جغرافیایی و جز آن ربط ندارد و هیچ یک از خصوصیات این گونه‌ها در آن ظاهر نمی‌شود. در واقع، وجود هر نوع ویژگی یا خصلتی که بیانگر عامیانه‌بودن، تعلق به قومیت‌ها و زبان‌های محلی باشد، زبان را از حالت معیار دور می‌سازد.

یکی از ویژگی‌های فارسی معیار، نداشتن خصوصیات محلی، قومی، جغرافیایی و طبقاتی است. زبان گفتاری تهران گونه معیار است، اما واضح است که لهجه به اصطلاح داش‌مشدی‌های تهرانی را نمی‌توان معیار دانست، زیرا دارای ویژگی نشان‌داری از قبیل عامیانه‌بودن و اختصاص داشتن به یک قشر خاص است.

- **نداشتن عناصر زبانی قدیمی و مهجور:** معیارسازی یک گونه زبانی در طول زمان و تحت تأثیر تاریخ و فرهنگ

امکان استفاده از رادیو، تأثیر آن بر زبان معیار جامعه نیز به همان نسبت زیاد است. زبان رسانه، یعنی زبان معیار و زبان رسمی و درست رایج در کشورمان و زبانی که از غلط‌های گویندگان و مجریان به دور باشد. ایستگاه‌های مختلف رادیویی که در تمامی ساعات شبانه‌روز به پخش برنامه مشغول هستند، انواعی گوناگون از برنامه‌ها را عرضه می‌دارند که زبان معیار در آنها با بیشترین حد تنوع به کار گرفته می‌شود. رادیوهای ما برای طیف وسیعی از نیازهای مردم در گروه‌های سنی و مشاغل در مناسبت‌های مختلف برنامه می‌سازند. پس به جرئت می‌توان گفت: رادیو بیشترین گستره زبان معیار را به خدمت گرفته است؛ به‌ویژه آنکه در برنامه‌های رادیو، بسیاری از گزارش‌ها و تلفن‌های شنوندگان با گویش‌ها

### زبان معیار در رادیو

رادیو از جمله مهم‌ترین منابع رواج زبان معیار در هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود، زیرا با این وسیله هنجارهای زبان معیار در سراسر جامعه گسترش می‌یابد و هر کس در هر بخش از جامعه، با هر لهجه و گویش بومی و محلی، می‌تواند با بهره‌بردن از رسانه با همه افراد جامعه در ارتباط باشد.

رادیو یکی از رسانه‌هایی است که حیطة کاربرد آن در جامعه بسیار وسیع است؛ زیرا نه مانند مطبوعات است که نیاز به سواد خواندن داشته باشد و نه مانند تلویزیون است که امکان استفاده از آن در همه‌جا مانند اتومبیل، کارگاه، کشتزار، مغازه و... وجود نداشته باشد. پس رادیو یکی از عمومی‌ترین رسانه‌هاست که طیف وسیعی از افراد جامعه از آن بهره می‌برند. با توجه به فراگیربودن

جامعه صورت می‌گیرد. اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که زبان معیار متعلق به زمان حال است. همان‌طور که دکتر سیروس شمیسا اشاره می‌کند، «نرم» (Norm) زبانی مربوط به عصر خاص خودش است. اما پیداست که زبان، به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، همواره با تغییر جوامع در حال دگرگونی است و اساساً تغییر زبان اصل است. وجود عناصر قدیمی و مهجور که در زمان حال پذیرفته نیست، زبان را از وضعیت معیار دور می‌سازد.

رادیو به‌عنوان عاملی بسیار مؤثر در نگرش اهل زبان و رفتار زبانی آنها نقش اساسی دارد؛ به‌خصوص در قشر جوان از نظر علم زبان‌شناسی، معیار نادرست و درست بودن صورت زبانی، زبان معیار رایج و کنونی است «نه» زبان معیار گذشته.

**- سازگاری با عادت و شِمّ زبانی سخن‌گویان:** سخن‌گویان در هر جامعه زبانی عادات زبانی خاص خود را دارند. تغییر عادات‌های زبانی کاری دشوار است. پس یکی از مراحل معیارشدن یک‌گونه زبانی پذیرش جامعه زبانی است.

**- سبک و سیاق متناسب:** نباید تصور کرد که زبان معیار در همه شرایط و موقعیت‌ها یکسان است. زبان معیار با توجه به سبک و سیاق متنوع است. سبک مربوط به کاربرد زبان در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت است. عوامل زیر در تعیین سبک، مؤثرند: رابط گوینده و شنونده و فاصله اجتماعی آنها و موقعیت از نظر زمان، مکان، حضور و غیاب دیگران. بنابراین بر حسب اینکه چه گوینده‌ای با کدام مخاطب و در چه موقعیتی سخن بگوید، گونه‌های سبکی متفاوت انتخاب می‌شود و به کار می‌رود.

زبان معیار دارای سلسله هنجارها و اصولی است، اما این بدان معنا نیست که صورت جزم واحدی یافته باشد که هیچ‌گونه تغییر و تحول سبکی را برتابد. سیاق به گونه‌ای از زبان اطلاق می‌شود که مربوط به ویژگی‌های گفتمانی کلام یا متن است. در واقع، ساختار یک نوشته ادبی با یک

### زبان رسانه، یعنی زبان معیار و زبان رسمی و درست رایج در کشورمان و زبانی که از غلط‌های گویندگان و مجریان به دور باشد.

همچنین، یکی از اصول زبان معیار این است که در هر سبک و سیاق خاصی از هنجارها و ویژگی‌های آن سبک و سیاق پیروی کند. **- رسمیت:** رفتار زبانی را می‌توان به دو نوع رسمی و غیررسمی تقسیم کرد. ارتباط زبانی در موقعیت رسمی، در فضایی جدی و در موقعیت غیررسمی، در فضایی دوستانه و صمیمی برقرار می‌شود. زبان معیار دارای میزان رسمیت بیشتری است. به‌عنوان مثال: گوینده‌ای که استاد دانشگاه هم هست و به زبان معیار تسلط کامل دارد، در موقعیت‌های رسمی نظیر کلاس درس به گونه‌ای سخن می‌گوید و زمانی که در پشت میکروفون رادیو جوان نشسته است، به گونه‌ای دیگر با زبانی صمیمانه و دوستانه حرف می‌زند؛ چرا که این دو موقعیت آشکارا متفاوت است. به طور حتم، در موقعیت غیررسمی و صمیمی، زبان آن استاد از زبان معیار فاصله می‌گیرد؛ هر چند در هر دو موقعیت، به زبان گفتاری فارسی تهرانی تکلم می‌کند. ویژگی دیگری که ارتباط تنگاتنگی با رسمیت دارد، مؤدبانه‌بودن گفتار است. در زبان معیار، ادب و احترام بیشتری وجود دارد. معیاربودن گفتار یا نوشتار تنها جنبه زبانی ندارد، بلکه عوامل فرازبانی نیز در آن مؤثر است.

**- به‌کار نبردن افراطی عناصر زبانی بیگانه:** در همه زبان‌ها، عناصر قرضی کم و بیش وجود دارد و هیچ زبانی را نمی‌توان یافت که به‌طور کامل از عناصر بیگانه، به‌ویژه در سطح واژگان مبرا باشد. واژگان و عناصر قرضی که در طول تاریخ وارد یک زبان می‌شوند، رفته‌رفته پذیرفته و جزئی از آن زبان می‌گردند. زبان فارسی در طول تاریخ خود، واژگان فراوانی از زبان‌هایی خارجی مانند عربی، فرانسوی، انگلیسی و... از آنها قرض گرفته است. عناصر قرضی در زبان معیار نیز رواج دارند و لطمه‌ای به آن نمی‌زنند. اما زمانی که از اصطلاحات و واژگان زبان‌های خارجی استفاده افراطی شود، مشکل به وجود می‌آید. استفاده افراطی از لغات و عبارات‌های زبان‌های خارجی که گاه به‌خاطر تفاخر و تظاهر و گاه به دلیل

متن علمی یا هنری یکسان نیست. از انواع سیاق می‌توان به سیاق روزنامه‌ای، اداری، تجاری، ورزشی، ادبی و بسیاری از حرفه‌ها و تخصص‌ها اشاره کرد. ویژگی‌های زبانی که در هر یک از این سیاق‌ها به کار می‌روند، متفاوت است.

هر یک از سبک و سیاق‌های موجود در زبان فارسی، ویژگی‌های خاص خود را دارد.

تداخل زبانی، ناآگاهانه صورت می‌گیرد، زبان را از حالت معیار دور می‌سازد.

### زبان رسانه

زبان رسانه عبارت است از مجموعه‌ای از اجزای یک پیام رسانه‌ای که با هدف تأثیرگذاری بر مخاطبان از یک رسانه ارسال می‌شود. در این تعریف، زبان به معنای مجموعه‌ای از واژگان است و دستور زبان، جزئی کوچک از زبان رسانه.

لحن بیان، موسیقی، مجری، بازیگر، نوع برنامه، جلوه‌های صوتی و واژگان و دستور زبان به کاررفته در یک پیام، ظاهر و صورت پیام و در کل، عاطفه موجود در پیام تشکیل ماهیتی می‌دهند که موجودیتی رسانه‌ای می‌یابد و «زبان رسانه» نامیده می‌شود.

به عبارت دیگر، هر پیام رسانه‌ای که ویژگی‌های فوق را نداشته و یا حتی در یکی از آنها دارای ضعف باشد، نمی‌تواند در حوزه زبان رسانه قرار گیرد. یا دست کم می‌توان گفت که زبان رسانه آن پیام، بسته و الکن خواهد بود. از این رو باید میان دو مفهوم رسانه‌ای، زبان رسانه و زبان گفتاری در رسانه تفاوت بنیادی قائل شد. اما کامل‌ترین تعریف زبان رسانه اینگونه است: «زبان رسانه، زبان اعجازگر ارتباطات میان رسانه و مخاطبان است. این موجود زنده هزاران جزء دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: زبان گفتار، موسیقی، فضاسازی، جلوه‌های صوتی، آرم، آهنگ صدا و...»

### الگوی ارتباطی

رومن یاکوبسن یکی از زبان‌شناسان معروف، طرحی از عوامل سازنده ارتباط کلامی دارد که از زوایای گوناگون قابل تأمل است. وی در هر ارتباط کلامی شش عامل مهم را دخیل می‌داند: فرستنده، گیرنده، موضوع، پیام، مجرای ارتباطی و رمزگان. همچنین، وی بر مبنای این شش عامل، به شش نقش زبانی می‌پردازد که این شش عامل عبارتند از: عوامل عاطفی، ارجاعی، همدلی، ادبی، فرازبانی و ترغیبی.

ارتباط کلامی در رادیو از نوع تک‌گویی

### سیاق به گونه‌ای

#### از زبان اطلاق

#### می‌شود که مربوط

#### به ویژگی‌های

#### گفتمانی کلام یا

#### متن است. در

#### واقع، ساختار یک

#### نوشته ادبی با یک

#### متن علمی یا هنری

#### یکسان نیست.

پیام ممکن است ساختارهای متفاوتی داشته باشد.

از عوامل ارتباطی زبان جوانی در رادیو، نقش «عاطفه» است؛ مانند:

گوینده اول: عجب هوای دل‌انگیزی است.

گوینده دوم: بله، واقعاً هوای مفرحی است.

از دیگر عوامل ارتباط کلامی در رادیو، نقش «ارجاعی» است. نقش ارجاعی از عوامل برتر زبان رادیوست؛ مانند:

گوینده اول: فقر ریشه بسیاری از مشکلات نظیر مشکلات عاطفی است.

گوینده دوم: سوء‌تغذیه نیز از دیگر اثرات مخرب فقر است.

این قبیل صحبت‌ها به موضوع واحدی ارجاع می‌دهد. (مسئله فقر)

از آنجایی که **رادیو جوان** خود مجرای ارتباطی جوانان و متفاوت با دیگر مجاری ارتباطی است، هرگونه پیامی که معطوف به برقراری ارتباط رادیویی و ادامه یا قطع آن باشد، نقش «همدلی» می‌یابد.

گوینده به بهانه حالت گفتاری متناسب با جوانان، زبان در رادیو را در نقش همدلی این‌طور نشان می‌دهند؛ مانند:

گوینده اول: شنوندگان جوان صدای ما رو از روی موج FM می‌شنوید.

گوینده دوم: تا چند دقیقه دیگه اگه صدای ما رو نشنیدید مشکل از گیرنده شما نیست، مشکل از **رادیو جوان** هم نیست، مشکل از دکل فرستنده است.

در ارتباط کلامی، پیامی که فرستنده برای گیرنده می‌فرستد، بر دیگر عوامل ارتباطی برتری می‌یابد و وقتی به زیبایی آن توجه شود، نقش ادبی به خود می‌گیرد. بی‌تردید زبان در رادیو در بسیاری موارد نقش ادبی می‌یابد و به آرایه‌های زبانی مجهز می‌شود؛ مانند:

گوینده: جوانان عزیز امروز اول پاییزه، آغاز فصل برگریزان که در آن طبیعت از مهر افروخته می‌شود، و برگ‌ها سرخ و زرد می‌شوند. راستی! اگر به برگ خزان زده بگه





آن رادیو، اما در واقع فاقد هر گونه کارایی است و امکان بقا نمی‌یابد.

این امر بدیهی، گاه در برخی برنامه‌های رادیو جوان به چشم می‌خورد. در برخی برنامه‌ها، زبان اجرا بی‌نهایت خودمانی، ساده و مستقیم است، اما امکان بقا نمی‌یابد و اگرچه برای لحظاتی مخاطبان را جذب می‌کند و تأثیر آنی بر مخاطب می‌گذارد، اما هدف نهایی برنامه رادیویی را به‌عنوان بخشی از یک رسانه تأثیرگذار برآورده نمی‌سازد. البته در حالی هم می‌توان رادیو جوان را تنها در نقش «ارجاعی» دید؛ نقشی که رادیو را تنها ابزاری آموزشی می‌کند که پیوسته درباره موضوعات گوناگون خبر می‌دهد.

نقش ارجاعی از برتری یافتن موضوع به دیگر عوامل ارتباط کلامی به‌وجود می‌آید. این گفته یاکوبسن است؛ به عبارت دیگر در نقش ارجاعی، زبان در خدمت انتقال اطلاعات درباره موضوع است. همچنین، اگر زبان رادیو جوان فقط در نقش «همدلی» به کار رود، چه پیش می‌آید؟

رادیویی که در آن زبان فقط در نقش همدلی به کار رود، دیگر رادیو به معنای مصطلح نیست. اما گاه می‌بینیم که گویندگان رادیو جوان که به‌طور عمده از طیف گویندگان جوان هستند، به‌بیراهه می‌روند و از زبان در یک رسانه فراگیر، که مخاطبان بسیاری نیز دارد فقط و فقط در نقش همدلی بهره می‌برند، که این مسئله نیز رادیو را از شأن و مقام واقعی و کارکرد اصلی خود به‌سرعت دور می‌سازد؛ استفاده از زبان ادب و تأکید بر پیام و زیبایی آن، نقش ادبی به زبان می‌دهد اما بااستفاده کامل آن در یک رادیو، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

حقیقت مطلب این است که فقط و فقط در تعداد معدودی از برنامه‌ها، به‌راستی از نقش ادبی زبان به‌عنوان یک عامل بهره برده می‌شود، و در سایر موارد به‌صورت بسیار سطحی، به این امر اساسی و مهم پرداخته می‌شود؛ وضعی که در آن زبان فقط در نقش



رادیو این امکان را فراهم می‌آورد که با تلاشی همه‌جانبه بکوشیم زبان را از نادرستی‌ها و کاستی‌های آن پالوده کنیم و از سوی دیگر، با کاربرد درست واژه‌های رسا و زیبا، زبانی قاعده‌مندتر و گوش‌نوازتر را به‌عنوان زبان معیار در جامعه رواج دهیم.

بهار در دل منه، کی باور می‌کنه!  
و همین‌طور در ارتباط کلامی، زبان رادیو در فرازبانی نیز به کار می‌رود؛ مانند:  
گوینده: در ساعت ۱۴:۳۰ اخبار ورزشی پخش خواهد شد.  
گوینده: معنای هدفمندکردن یارانه‌ها چیست؟

در این جملات زبان رادیو را در نقش فرازبانی مشخص می‌کند.  
حال با توجه به اینکه درباره نقش‌های زبانی در رادیو گفته شده، می‌توان دریافت که در رادیو می‌توان زبان را در هر یک از این بخش‌های برشمرده به کار گرفت.

**آسیب‌شناسی نقش‌ها در زبان جوانی**  
حال به این نکته پردازیم که کاربرد زبان در هر یک از این نقش‌ها چگونه در عملکرد رادیو اثر می‌گذارد و در رادیو جوان به‌بهانه ارائه یک زبان خاص، که منطبق بر حال و هوای جوانی است، چگونه این نقش‌ها نادیده گرفته می‌شوند.

اگر در برنامه‌های رادیو جوان به واسطه طیف مخاطبان جوان، زبان همواره در نقش عاطفی به کار رود، گرچه زبان در رادیو ابزاری است برای بیان احساسات و عواطف و حالات روحی مجری یا مجریان برنامه‌های

فرازبانی به کار می‌رود، مانند وضع نقش همدلی است و در این باره می‌توان گفت که بخش اندکی از ارتباطات کلامی ممکن است منحصر به اطلاع از کارایی رمزگان باشد.

حال در نظر بگیرید که در برنامه‌های **رادیو جوان**، زبان همواره در نقش ترغیبی به کار رود. برنامه‌ها پیوسته شنوندگان را به کاری ترغیب کنند، اگر چه در این صورت رادیو جوان وسیله‌ای است که موجب بروز کنش‌هایی در جامعه می‌شود.

اما حقیقت این است که همین مسئله نیز بدون پشتوانه به کار گرفته می‌شود و همان نقش لحظه‌ای و سهم ناچیز را در ماهیت یک رسانه عظیم، با عنوان رادیو دارد. در این نقش‌ها، هدف فرستنده انتقال پیام به گیرنده است و پرواضح است که در صورتی این مهم به انجام می‌رسد و رادیو به‌عنوان یک رسانه تأثیرگذار به هدف خود نائل می‌شود که همه شش نقش زبانی متناسب با یکدیگر به کار گرفته شوند که متأسفانه گاه به بهانه استفاده از نوع خاص زبان گفتاری که در رادیو جوان از آن به‌عنوان زبانی منطبق بر جوانی یاد می‌شود، معمولاً چنین تناسب و هماهنگی خاص را شاهد نبوده و نیستیم. البته لازم به ذکر است که زبان‌شناسان امروزی معتقدند که هیچ‌گاه نمی‌توان از تحولات زبانی، به‌ویژه زبان گفتاری توده مردم در رادیو و **رادیو جوان** جلوگیری کرد و زبان را ثابت و راکد نگاه داشت. بسیاری از ادیبان نه فقط در کشور ما، بلکه حتی در کشورهای غربی بر کسانی که تغییرات طبیعی زبانی در گفته‌ها و نوشته‌های آنها رخ می‌نماید؛ به‌ویژه بر آنها که سخنانشان از رسانه پخش می‌شود، خرده می‌گیرند و به پرهیز از آنها حکم می‌کنند. در حالی که با این کار، دانسته یا نادانسته، یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین قوانین زبان‌شناسی و روان‌شناسی را نادیده می‌گیرند.

دکتر محمدرضا باطنی در کتاب **زبان و تفکر** می‌گوید: «زبان مانند ارگانسیم زنده‌ای است که پیوسته در حال دگرگونی

و تغییر است. کسانی که گذشته زبان را ملاک ارزیابی و قضاوت درباره صورت فعلی آن قرار می‌دهند و در واقع تحول زبان را انکار می‌کنند، ولی کوشیدند از تحول آن جلوگیری کنند، اما این تلاشی است بیهوده و عبث که همیشه به ناکامی می‌انجامد، زیرا شناکردن برخلاف جریان آب است.»

در اینجا با ذکر بخشی از سخنان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در دیدار با مدیران وقت صدای جمهوری اسلامی در سال ۱۳۷۴ درباره زبان معیار در سازمان صداوسیما، این نوشته را به پایان می‌بریم:

«زبان صداوسیما باید فارسی درست و به‌راستی، زبان معیار باشد، غلط‌گویی و غلط‌خوانی یکسره از بین برود و صداوسیما آموزنده زبان شیرین و رسا و پرتوان فارسی باشد. در این باره تلاش‌هایی شده است و باید تکمیل گردد.

زبانی که شما پخش می‌کنید، معیار برای بسیاری است، در حرف‌زدن و نوشتن و گفتن. باید شما جوری حرف بزنید که زبان فارسی، و زیباترین و پرمغزترین جمله‌بندی‌ها و ترکیبات و واژه‌هایی که کشف می‌شود... به کار ببرید. زیباترین و بهترین تعبیرات را شما باید به کار ببرید. از غلط‌ها اولین کسی که اجتناب می‌کند، شما باید باشید... برای اینکه معیاری باشد برای دیگران و از شما فرا بگیرند. هیچ اغماض در این مورد نکنید و اجازه ندهید که غلط‌گویی یا بدگویی و سست‌گویی در بیان راه پیدا کند.»